



سخن آغازین

**جایگاه
اندیشمندان ایرانی
در بالندگی دانش
پزشکی: مثلث
رازی، ابن سینا و
جرجانی
علی اوجبی**



• استناد: اوجبی، علی. (۱۴۰۵). سخن آغازین: جایگاه ایرانیان در بالندگی علم پزشکی: مثلث رازی، ابن سینا، جرجانی. مجله مطالعات ایرانی - اسلامی. ۱۶(۱). ص ۴-۷.

پزشکی در تمدن ایران، از دوره‌های باستانی تا عصر اسلامی، پیوسته مسیری پویا و نوآورانه را طی کرده است. پزشکان ایران باستان با تکیه بر سنت‌های دینی - فرهنگی و تجربه‌های بالینی، پایه‌های طب را در حوزه‌هایی چون بهداشت، جراحی، داروشناسی و آموزش نهادینه کردند. این میراث در دوره ایران پسااسلامی به‌وسیله پزشکان بزرگی چون محمد بن زکریای رازی، سید اسماعیل جرجانی و ابوعلی سینا به اوج رسید و در قالب آثار نظام‌مند، روش‌های آموزشی و نوآوری‌های بالینی تأثیری ماندگار بر پزشکی جهان نهاد.

در ایران باستان، به‌ویژه در سنت زرتشتی، سلامت جسم و روان با نظم کیهانی و پاکی پیوند داشت. متون اوستایی از سه نوع درمان سخن می‌گویند: درمان با گیاه، کارد (جراحی) و کلام مقدس. این سه‌گانه، نشان‌دهنده آگاهی از روش‌های دارویی، جراحی و روان‌درمانی آیینی است.

در دوره ساسانی، پزشکی به‌صورت نهادی در مراکزی چون جندی‌شاپور سازمان یافت. در این مراکز، پزشکان به آموزش نظام‌مند، ترجمه متون یونانی و هندی، و تربیت شاگردان می‌پرداختند. روش آموزش شامل مشاهده بالینی، شاگردی نزد استاد و مباحثه‌های علمی بود که بعدها در مدارس پزشکی اسلامی ادامه یافت.

توجه به بهداشت عمومی (آب، غذا، پاک‌ی محیط)، شناخت داروهای گیاهی و ترکیبات دارویی، انجام جراحی‌های ابتدایی، اخلاق پزشکی، و سوگند حرفه‌ای از ویژگی‌های برتر پزشکی ایران باستان است و نشانگر آن است که پزشکان ایران باستان در رشد عملی و نظری پزشکی، نقش بنیادین داشتند.

با انتقال میراث ساسانی به جهان اسلام، پزشکان ایرانی در سده‌های سوم تا پنجم هجری پیشگام طب علمی شدند. آنان با ترکیب سنت ایرانی، طب یونانی و تجربه بالینی، نظامی جامع برای آموزش و درمان پدید آوردند.

شاخص‌ترین پزشکان ایرانی رازی، ابن‌سینا و جرجانی بودند. اینان مثلث سه‌گانه‌ای را تشکیل می‌دهند که سنگ بنای بنیادین ساختار پزشکی پسااسلامی است و با نوشته‌های بی‌مانند خود، این دانش تأثیرگذار و ارزشمند را در تمامی سرزمین‌ها گسترش دادند و نقشی چشمگیر در رشد و بالندگی آن داشتند.

محمد بن زکریای رازی (قرن سوم و چهارم ق.) از نخستین پزشکانی بود که طب را بر مشاهده و تجربه بالینی استوار کرد. کتاب الحاوی نمونه‌ای برجسته در ثبت دقیق مشاهدات بالینی است. او تفاوت شماری از بیماری‌هایی چون آبله و سرخک را برای نخستین بار در رساله الجدری و الحصبة در اختیار پزشکان پس از خود قرار داد. رازی از پزشکان نادری بود که بر شیوه «آزمایش دارو پیش از تجویز» پافشاری می‌کرد. او در بیمارستان بغداد، حلقه‌های آموزشی داشت. شاگردان در حضور او بیماران را معاینه می‌کردند و در ادامه به بحث و گفتگوی علمی می‌پرداختند. این روش «آموزش بالینی در کنار بستر بیمار» از نوآوری‌های مهم اوست. او بر فردمحوری درمان، تغذیه‌درمانی و پیشگیری تأکید داشت و از زیاده‌روی در دارودرمانی پرهیز می‌کرد. در ادامه، ابن‌سینا (۴ - ۵ ق.) بود که در آسمان پزشکی خوش درخشید و این دانش کاربردی را برای نخستین بار در ساختار فلسفی - علمی تدوین کرد. کتاب قانون جامع‌ترین دانشنامه پزشکی و از شاخص‌ترین آثار سده‌های میانی به شمار می‌آید و تا قرن‌ها در شرق و غرب تدریس می‌شد و به زبان‌های گوناگون برگردان شده است. او در این اثر بی‌مانند، بیماری‌ها را طبقه‌بندی کرد، اصول تشخیص و نبض‌شناسی را شرح داد و داروشناسی را

نظام‌مند ساخت. او طب را دانشی آمیخته از نظر و عمل (تجربه) می‌دانست و همین‌الگو بعدها پایه آموزش پزشکی سنتی شد. ابن‌سینا در کنار تشخیص مستقل، بر روان‌پزشکی و پیوند ذهن و بدن در بیماری‌ها و شیوه درمان آنها نیز تأکید داشت. ضلع سوم مثلث پزشکی ایرانی، کسی نیست جز سید اسماعیل جرجانی (۵ - ۶ ق.). او را باید حلقه پیوند دانش پزشکی با فرهنگ فارسی‌زبان دانست. کسی که در بومی‌سازی و گسترش پزشکی به زبان فارسی نقشی بی‌بدیل داشت. نام او با دانشنامه بزرگ پزشکی ذخیره خوارزمشاهی گره خورده است. جرجانی از پزشکان برجسته‌ای بود که دانش پزشکی را برای پزشکان و دانشجویان ایرانی قابل‌دسترس کرد. او با نگارش این دانشنامه فارسی، آموزش پزشکی را از سیطره تازیان و دیگر ملل برون آورد و به جای‌جای ایران رساند که به تربیت و آموزش پزشکان بیشتر انجامید. جرجانی بر تغذیه، اقلیم و سبک زندگی در درمان، تأکید داشت و طب پیشگیرانه را گسترش داد. درست به دلیل همین ویژگی‌های منحصر به فردش ذخیره خوارزمشاهی به زبان‌های گوناگون برگردان شد. برخی برای فراگیری سریع‌تر آن را خلاصه کردند و شماری آن را به نظم درآوردند.

بدین ترتیب، برای هر پژوهشگر منصفی، با مطالعه اندک منابع معتبر، به خوبی نمایان می‌شود که این پزشکان ایران باستان بودند که بنیان‌های بهداشت، داروشناسی، جراحی و آموزش نهادی و زیرساختی پایدار را برای رشد پزشکی فراهم کردند و این میراث گران‌بها در دوره اسلامی نیز باز به دست سه ستاره درخشان ایرانی - رازی، ابن سینا و جرجانی - به اوج خود رسید.

بنابراین، پزشکان ایرانی. پیشااسلامی و پسااسلامی - نه تنها در درمان بیماری‌ها و آموزش پزشکان نقش داشتند، بلکه در تحول جهانی دانش پزشکی نیز سهمی بنیادین ایفا کردند. از این رو، در شماره پیش رو در قالب «کارنامه» تلاش شده است با یاری برخی پژوهشگران این حوزه به معرفی کوتاه یکی از منابع گران‌بهای تاریخ پزشکی یعنی ذخیره خوارزمشاهی پرداخته شود؛ نوشتار پربرگی که باعث می‌شود بیش‌ازپیش بر ایرانی بودن خویش ببالیم و در برابر دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها سر برافرازیم.